


تحلیل روان‌شناختی تیپ شخصیتی یوسف نبی ﷺ در قرآن بر مبنای الگوی MBTI

آزاده عباسی / استادیار دانشگاه قرآن و حدیث (پردیس تهران)

abbasi.a@qhu.ac.ir  orcid.org/0000-0002-9779-0322

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۶ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵

چکیده

در تحقیقات میان‌رشته‌ای، مطالعات قرآنی - روان‌شناسی سابقه‌ای دیرینه دارد. از یک سو طرح سرگذشت انبیای الهی به‌منظور معرفی الگوهای الهی در قرآن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از سوی دیگر شناسایی الگوهای تیپ‌شناسی شخصیت در مطالعات روان‌شناختی حائز اهمیت است. مایرز و بریگز دو بانوی امریکایی که در مسیر گسترش اندیشه‌های یونگ گام برداشتند، مبتنی بر نظرات او، الگوی MBTI را طراحی کردند. در این الگو ابعاد گوناگون شخصیت هرکس در چهار ترجیح دوگانه و در مجموع شانزده تیپ شخصیتی مشخص، بررسی می‌شود. این پژوهش بر آن است تا مبتنی بر داده‌های موجود در آیات قرآن با روش توصیفی - تحلیلی تیپ شخصیتی یوسف نبی ﷺ را به‌دست آورد. برای دستیابی به این مهم، پس از معرفی ترجیحات گوناگون در این الگو، شواهد قرآنی شخصیت حضرت یوسف ﷺ مورد مذاقه قرار گرفت و در پایان، تیپ شخصیتی ایشان معرفی شد. از آن نظر که داده‌های قرآنی ممکن است همه زوایای شخصیت وی را پوشش ندهد، لازم است در این پژوهش ضریب خطا در نظر گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: تیپ‌شناسی، الگوی MBTI، یوسف نبی، شخصیت‌شناسی.

تحقیقات میان‌رشته همواره مدنظر اندیشمندان بوده و از آن برای پیشبرد علوم گوناگون بهره برده‌اند. در تحقیقات میان‌رشته‌ای مطالعات قرآنی و روان‌شناسی، به‌ویژه در حوزه روان‌شناسی اسلامی، مطالعات بسیاری انجام شده است، تا جایی که می‌توان گفت: این‌گونه مطالعات سابقه‌ای دیرینه دارد. بنابراین می‌توان گفت: نقاط مشترک زیادی وجود دارد که مجال کار و بررسی در این حوزه‌ها را فراهم می‌کند.

از جمله جنبه‌های قابل توجه قرآن کریم، مباحث مربوط به داستان‌های انبیای الهی است. از میان داستان‌های مطرح‌شده در قرآن، قصه یوسف نبی علیه السلام از چند جهت اهمیت ویژه‌ای دارد. یکپارچه بودن این داستان و جمع همه آیات مربوط به ایشان در یک سوره یکی از این جنبه‌ها به شمار می‌آید. افزون بر این، قرآن این داستان را «أحسن القصص» (یوسف: ۳) نامیده است. در این سرگذشت قرآنی، کنش‌های یوسف نبی علیه السلام در فرازهای گوناگون زندگی ذکر شده است و این مسئله بستری را فراهم می‌آورد تا بتوان در شخصیت ایشان به‌مثابه یک الگو مذاقه کرد.

یکی از موضوعات مطرح در روان‌شناسی، بحث «تیپ‌شناسی» است که از آغاز علم روان‌شناسی، نظریه‌های متعددی درباره آن ارائه شده است. چون افراد به سبب تفاوت‌های شخصیتی موجود به روش‌های متفاوتی از توانایی‌های گوناگون خود استفاده می‌کنند، فرایند درک و ادراک محیط پیرامون و نیز تصمیم‌های آنها متفاوت است (شکیبا، ۱۳۸۴، ص ۳۶).

باید توجه داشت که افراد با تیپ روان‌شناختی مشابه ویژگی‌های مشابهی دارند و در عین حال هرکدام فردیت مجزایی دارند. آشنایی با تیپ‌های شخصیتی، نه تنها به شخص کمک می‌کند نقاط قوت و استعداد‌های خاص خود و زمینه‌های رشد مربوط به آن را درک کند، بلکه به درک چرایی و چگونگی تفاوت او با دیگران نیز منجر می‌شود. توجه به این نکته که همه این تفاوت‌ها مهم و ارزشمند هستند، می‌تواند به ارتباط مؤثرتر و روابطی سازنده‌تر منجر شود (مارتین، ۱۳۹۹، ص ۱۴).

یکی از الگوهای مطرح در زمینه تیپ‌شناسی، الگوی MBTI است که به افراد کمک می‌کند مسیر زندگی خود را به‌درستی طراحی کنند، روابط مؤثر و هدفمندی با دیگران برقرار سازند و اهداف خود را به‌گونه‌ای شناسایی نمایند که متناسب با نیازها و استعداد‌های شخصی باشد. این الگو در مراحل اولیه توسط یونگ (روان‌شناس سوئیسی) پایه‌گذاری شده و بعدها توسط کاترین بریگز و دخترش *ایزابیل مایرز گسترش* پیدا کرد. ارزش شناخت ترجیحات تیپ‌های روان‌شناختی توسط این الگو در این است که چارچوب مفیدی برای توصیف رشد هر فرد ارائه می‌کند (مورفی، ۱۳۹۵، ص ۵).

بر این اساس پژوهش حاضر سعی دارد تا با شیوه «توصیفی - تحلیلی» به این پرسش پاسخ دهد که مطابق داده‌های قرآنی و براساس الگوی شخصیت‌شناسی MBTI، یوسف نبی علیه السلام چه تیپ شخصیتی دارد؟ به بیان دیگر، شخصیت قرآنی حضرت یوسف علیه السلام با کدام یک از تیپ‌های شانزده‌گانه موجود در الگوی MBTI همخوانی دارد؟ با توجه به اینکه قرآن یوسف نبی علیه السلام را به‌عنوان الگویی برگزیده معرفی می‌کند، پاسخ به این پرسش سبب

دست یافتن به تیپ شخصیتی او و همچنین شناخت برجستگی‌های شخصیتی او می‌شود و این مسئله در الگوسازی می‌تواند حائز اهمیت باشد.

توجه به این نکته ضروری است که در بررسی دقیق تیپ شخصیتی هر فرد، به شناخت زوایای وجودی او نیاز است و این شناخت جز با حضور فیزیکی، کلامی و رفتاری فرد امکان‌پذیر نیست. از این رو داستان یوسف نبی ﷺ مطابق با آیات قرآن بررسی می‌شود که هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در آن راه ندارد. به همین سبب آنچه در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود صرفاً محدود به داده‌های به‌دست‌آمده از آیات قرآن است و البته پرواضح است که آیات قرآن امکان دستیابی به همه جزئیات شخصیتی ایشان را فراچنگ نمی‌آورد.

در یادکرد از سابقه این پژوهش لازم به ذکر است که مطالعات قرآنی فراوان و نیز مطالعات روان‌شناسی پراکنده‌ای درباره یوسف نبی ﷺ به‌صورت مجزا یافت می‌شود، اما مطالعه میان‌رشته و به صورت تلفیقی کمتر اتفاق افتاده است. در این زمینه برای نمونه می‌توان به مقاله «راهکارهای تربیتی سوره یوسف ﷺ براساس مفهوم روان‌شناختی» (علی‌مرادی و همکاران، ۱۳۹۹) اشاره کرد.

مقاله دیگری نیز با عنوان «شخصیت‌پردازی در داستان یوسف؛ بررسی تطبیقی در قرآن و عهد قدیم» (اشرفی و همکاران، ۱۳۹۶) چاپ شده است.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، مقالات مذکور اگرچه زمینه بحث مشترک دارند، اما با موضوع بررسی در این پژوهش اساساً متفاوت هستند.

مبانی نظری

در ادامه، مبانی نظری بحث در دو بخش مجزا بررسی می‌شود:

سوره یوسف

سوره «یوسف»، دوازدهمین سوره قرآن کریم و یکی از سوره‌های ۱۱۱ آیه و ۱۶۰۲ کلمه بعد از داستان حضرت موسی ﷺ دومین سوره بلند قرآن کریم است و برخلاف دیگر داستان‌های قرآن، همهٔ فرازهای آن در یک سوره آمده و «أحسن القصص» (یوسف: ۳) خوانده شده است. این سوره علاوه بر جمال ادبی و هنری که دارد، ارزش‌های پنهانی بسیاری دارد که می‌توان آنها را کشف نمود و به تماشا نشست.

نام یوسف نبی ﷺ ۲۷ بار در قرآن ذکر شده که ۲۵ بار آن در سوره «یوسف» است. داستان یوسف نبی ﷺ و سرگذشت او علاوه بر قرآن، در سفر «پیدایش» تورات نیز آمده است. روایت زندگی یوسف نبی ﷺ در قرآن دومین داستان بلند قرآنی بعد از داستان حضرت موسی ﷺ است. حضرت یوسف ﷺ از پیامبران بنی‌اسرائیل و فرزند یعقوب نبی ﷺ بود و ضمن برخوردار بودن از مقام نبوت، سالیان طولانی زمامدار حکومت مصر بود. همچنین روایات اسلامی بسیاری به ذکر سرگذشت یوسف نبی ﷺ اختصاص دارد (ر. ک: مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۷۳-۵۵۱).

شخصیت‌شناسی MBTI

از جمله موضوعات مطرح در روان‌شناسی، نظریه‌های متعدد درباره تیپ‌شناسی است. از آغاز علم روان‌شناسی، نظریه‌های گوناگونی درباره تیپ‌های شخصیتی ارائه شده است. برای نمونه، می‌توان به الگوی نوپای «شناخت شخصیت نه‌گانه» اشاره کرد. در این الگو که به الگوی Enneagram مشهور است، انسان‌ها به نه گروه تقسیم می‌شوند و ویژگی‌های هر گروه به‌صورت مجزا بررسی می‌گردد (رضایی و دیگران، ۱۳۹۶؛ دقیقیان، ۱۳۸۹، ص ۳۳). لازم به ذکر است که الگوهای دیگری همچون الگوی ارائه‌شده توسط کارول ایس پیرسون و هیوکی مار نیز وجود دارد که یک الگوی دوازده‌گانه برای شناخت کهن‌الگوی شخصی و ایجاد زمینه رضایت در زندگی به شمار می‌آید (پیرسون و هیوکی، ۱۳۹۲، ص ۷).

در این میان، یکی از الگوهای مطرح موجود، الگوی شخصیت‌شناسی MBTI است. نخستین بار روان‌شناس سوئیسی، کارل گوستاو یونگ (Carl Gustav Jung)، در مدت‌زمانی قریب هفتادسال در این زمینه سخن گفت. یونگ در کتاب **تیپ‌های روان‌شناختی (Psychological Type)** توضیح می‌دهد که انسان‌ها در عین منحصر به فرد بودن، تشابهاتی با دیگر افراد دارند. این نظریه برای تبیین برخی از تفاوت‌های به‌ظاهر انفرادی در کنش‌های افراد ارائه شده است. در دیدگاه یونگ، یک تیپ روان‌شناختی متشکل از نظام‌های پویا و پیچیده و مرتبط با یکدیگر در شخصیت است و یک فرایند تکاملی در طول زندگی هر فرد به شمار می‌آید.

«تیپ» - در واقع - یک الگوی ذهنی است که براساس نظریه یونگ، وراثت جنسیتی و فرهنگ است (ونست، ۱۳۹۵، ص ۶). «تیپ» آن‌گونه که یونگ و بعدها مایرز مطرح کردند، اصولاً چهار مقوله اساسی دارد که مایرز آنها را «ترجیحات شخصی» نامید. در روان ما این مقوله‌ها در تعامل و تبادل با یکدیگر عمل می‌کنند (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

هیچ‌یک از این تیپ‌های شخصیتی خوب یا بد نیستند. همه تیپ‌های شخصیتی خوب هستند (مارتین، ۱۳۹۹، ص ۱۰).

بعد از طرح این اندیشه توسط یونگ، در سال ۱۹۲۳ دو بانوی آمریکایی به نام‌های کاترین کوک بریگر (Kathrine Briggs) و دخترش *ایزابل بریگر مایرز* (Isabel Myers) با مفاهیم یونگ آشنا شدند (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۲۵؛ مارتین، ۱۳۹۹، ص ۱۳). این دو تن به‌منظور کمک به مردم برای تشخیص تیپ‌های شخصیتی منحصربه‌فردشان، نظریه یونگ را گسترش دادند و الگوی «شخصیت‌شناسی» (The Myers-Briggs Type Indicator) MBTI را معرفی کردند. به دیگر سخن، آنها پرسشنامه شاخص شخصیتی را گسترش دادند (پی پنی و دایات، ۱۳۹۲، ص ۲۵).

مایرز و بریگر توضیح دادند که MBTI الگوی شخصیت‌شناسی است که کمک می‌کند تیپ شخصیتی یک فرد شناخته شود. هدف آنها این بود که توسط این ابزار، روشی برای سنجش، اعتباربخشی و استفاده عملی از آثار یونگ در تیپ‌های شخصیتی ارائه دهند (مارتین، ۱۳۹۹، ص ۱۳).

مایرز و بریگز توانستند براساس نظریات یونگ، چهار جفت ترجیح ضد هم را معین نمایند. ترجیحات در نظر گرفته شده توسط مایرز - بریگز به «ترجیحات انرژی دهنده»، «جمع‌آوری اطلاعات»، «تصمیم‌گیری» و «سبک زندگی» تقسیم می‌شوند (بارون، ۱۳۸۷، ص ۲۲). به عبارت دیگر ابزار MBTI گرایش افراد را در یک قالب چهاربعدی توصیف می‌کند که هریک متشکل از دو ترجیح متضاد است (مارتین، ۱۳۹۹، ص ۱۸). بنابراین، الگوی شخصیت‌شناسی MBTI، ابزاری شامل شانزده تیپ برای درک رفتار انسان است (تایگر و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۴).

این دو برای اولین بار به دسته‌بندی ویژگی‌های روان‌شناختی افراد در شانزده تیپ شخصیتی پرداختند. آزمون تیپ شخصیتی را که اکنون به «آزمون مایرز - بریگز» مشهور است، آنان تهیه کردند (ابوعصبه و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۳۷). پاسخ پرسش‌های مطرح در این آزمون در تعیین نوع تیپ شخصیتی هر فرد مؤثر است؛ اینکه یک فرد چگونه با دنیا در تعامل و تبادل است؟ انرژی خود را به کجا هدایت می‌کند؟ به طور طبیعی بیشتر متوجه چه اطلاعاتی می‌شود؟ چگونه تصمیم می‌گیرد؟ و اینکه آیا ترجیح می‌دهد در شرایط سازمان‌یافته‌تری فعالیت کند یا استقلال بیشتری را می‌خواهد؟ در هریک از این مقیاس‌ها، شخصیت هر کس در جهتی قرار می‌گیرد. در واقع، این آزمون یک پرسشنامه خودسنجی است (ناجی و همکاران، ۱۳۹۸) و برای یافتن تیپ شخصیتی یک فرد، هریک از این مقیاس‌ها که به آنها «ترجیحات» گفته می‌شود، بررسی می‌گردد (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۳۸).

در ادامه، هریک از ترجیحات مطرح در این الگو بررسی می‌شود:

درون‌گرایی - برون‌گرایی

اولین بعد تیپ شخصیتی به این نکته مربوط است که فرد با دنیا چگونه برخورد می‌کند و انرژی خود را به کجا متوجه می‌سازد؟ یونگ اولین کسی بود که از اصطلاح «درون‌گرا» و «برون‌گرا» استفاده کرد تا توضیح دهد که یک فرد با دنیای بیرون از خود و دنیای خود چگونه رابطه برقرار می‌سازد (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۳۹). هر کس با توجه به طبیعت خود، «درون‌گرا» یا «برون‌گرا» است. هریک از این دو گروه به این علت که انرژی خود را در دو مسیر کاملاً متفاوت مصرف می‌کنند، تفاوت‌های فراوانی با یکدیگر دارند. در سخنی کوتاه می‌توان گفت: این بعد از شخصیت‌شناسی به دنبال پاسخ به این پرسش است که یک فرد انرژی خود را چگونه دریافت می‌کند؟ (پی پنلی و دایات، ۱۳۹۲، ص ۳۵).

در ادامه، ویژگی‌های بارز هریک از این دو ترجیح یا تیپ شخصیتی بیان می‌شود:

درون‌گرا (Introvert) (I): به‌طور کلی افراد درون‌گرا روی تجربیات و عقاید درونی خود تمرکز دارند. آنان بیشتر به ارتباط نوشتاری تمایل نشان می‌دهند و علاقه‌مند هستند که با تأمل و تمرین فکری امور را بیاموزند. افراد درون‌گرا (I) معمولاً پیش از عمل تفکر دارند، ساکت هستند و دوست دارند به کارهای فردی یا همکاری حداکثر دو یا سه نفره مشغول باشند (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۲۸).

برون‌گرا (Extrovert) (E): افراد برون‌گرا بر دنیای بیرونی متمرکز هستند. از ویژگی‌های آنان می‌توان به تمایل

زیاد برای برقراری ارتباط کلامی اشاره کرد، تا حدی که می‌توان گفت: یک فرد برونگرا به راحتی اطلاعات شخصی خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارد. یادگیری این گروه معمولاً از طریق کارهای عملی یا شرکت در بحث و گفت‌وگوست. واکنش قبل از تفکر، پیش قدم شدن در کارها و ایجاد روابط با دیگران از جمله ویژگی‌های مهم افراد برونگرا به حساب می‌آید. یک فرد برونگرا از بودن با دیگران انرژی می‌گیرد! (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۲۹)

حسی - شهودی

دومین بعد از ترجیحات شخصیت‌شناسی در الگوی MBTI به ترجیح جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد. این بُعد بستگی به این دارد که فرد معمولاً چه نوع اطلاعاتی را متوجه می‌شود. گستره این الگوی شخصیت‌شناسی در زمینه چگونگی کسب اطلاعات نیز همانند درونگرایی و برونگرایی دو وجه دارد که این دو وجه کاملاً با هم متفاوت هستند. در سخنی گزیده می‌توان گفت: این بعد از شخصیت‌شناسی به دنبال پاسخ به این پرسش است که فرد اطلاعات خود را چگونه دریافت می‌کند؟ (پی پنی و دایات، ۱۳۹۲، ص ۳۵).

در ادامه توضیح این دو جنبه خواهد آمد:

حسی (Sensing) (S): در اندیشه یونگ این گروه از افراد کارکردها، تجربیات و اطلاعات را می‌پذیرند، اما درصد ارزیابی این اطلاعات نیستند. در این ترجیح شخصیتی، فرد با استفاده از حواس پنج‌گانه خود به درک واقعیت می‌پردازد. این دسته افراد معمولاً اطلاعات را به صورت جزء به جزء یا بخش‌بخش دریافت می‌کنند. افراد حسی برای کارهای عملی ارزش قائل هستند و بر مشاهدات خود تمرکز بیشتری دارند (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۶). حسی‌ها به جزئیات توجه دارند و برای این نکته ارزش قائل هستند که در برابرشان چه چیزی قرار دارد. این افراد تنها از نظر جدیدی استقبال می‌کنند که قابلیت اجرایی داشته باشد و در حقیقت، به عملی بودن پیشنهاد و جزئیات آن بیشتر توجه دارند (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۵۰).

شهودی (Intuiting) (I): شهودی‌ها از طریق تمرکز بر پیوندها و ارتباطات موجود میان حقایق، اطلاعات را درک می‌کنند. مهم‌ترین ویژگی این گروه آن است که به الهام و استنباط توجه دارند. این گروه از افراد بسیار خلاق هستند و بر استدلال نظری و غیرعملی تکیه دارند. قوه تخیل در آنان غالب است (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۶). شهودی‌ها به جزئیات توجه ندارند و به تصویر بزرگ می‌اندیشند. شهودی‌ها آینده را پیش‌بینی می‌کنند و برای هرگونه تغییر آماده‌اند (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۴۷ و ۴۸).

فکری - احساسی

سومین بُعد از تیپ شخصیتی با تصمیم‌گیری افراد و رسیدن آنها به نتیجه‌گیری ارتباط دارد. همان‌گونه که برای دریافت اطلاعات و یا تعامل با محیط پیرامون دو روش متفاوت وجود داشت، برای تصمیم‌گیری نیز از دو روش استفاده می‌شود که یکی روش فکری و دیگری روش احساسی است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت: این بعد به دنبال پاسخ به این سؤال است که نحوه تصمیم‌گیری فرد چگونه است؟ (پی پنی و دایات، ۱۳۹۲، ص ۳۵)

در ادامه هریک از این روش‌ها بررسی می‌شوند:

فکری (T): این افراد کسانی هستند که در تصمیم‌گیری‌ها عمدتاً از تفکر استفاده می‌کنند و به نتایج منطقی توجه دارند، به گونه‌ای که می‌توان گفت: احساسات برای آنها تنها زمانی معتبر است که منطقی باشد. این گروه از افراد نگرش تحلیلی به مقولات دارند. به دیگر سخن این افراد از دلایل علی و معلولی استفاده می‌کنند (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۶).

فکری بودن اغلب به حساب تصمیم‌گیری براساس روش‌های منطقی گذاشته می‌شود (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۵۲). این گروه از افراد گاه آن‌قدر در استفاده از فکر زیاده‌روی می‌کنند که افرادی سرد و نچسب به نظر می‌رسند! در زمینه تصمیم‌گیری، این گروه دارای تحلیل‌های غیرشخصی هستند و برای آنها منطق عدالت و انصاف از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. افراد با تیپ شخصیتی «فکری» (T) معتقدند: احساسات زمانی معتبر است که منطقی باشد (جیمز و گاردنر، ۱۹۹۵، ص ۵۸).

احساسی (S): افراد با تیپ شخصیتی احساسی کسانی هستند که بر احساسات خود و دیگران تمرکز دارند؛ نیازها و ارزش‌ها را درک می‌کنند و در کارها معمولاً احساسات خود را بروز می‌دهند؛ به این معنی که تأثیر تصمیم‌گیری خود بر روی افراد را در نظر می‌گیرند. این افراد به همدلی و هماهنگی بها می‌دهند. افراد با تیپ شخصیتی «احساسی» به‌طور طبیعی به راضی کردن دیگران علاقه‌مندند و به‌راحتی از دیگران تشکر و قدردانی می‌کنند. این گروه از افراد ممکن است بیش از اندازه احساسی و عاطفی تلقی شوند (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

منضبط - ملاحظه‌کننده

بعد چهارم تیپ شخصیتی به این بستگی دارد که یک فرد تا چه اندازه به دنبال یک زندگی سازمان‌یافته است و استقلال بیشتری را ترجیح می‌دهد. ملاحظه‌کننده‌ها ترجیح می‌دهند که یک دنیای پر از انعطاف داشته باشند (تایگر و تایگر، ۱۳۹۲، ص ۵۸). در عبارتی خلاصه می‌توان گفت: این بعد از شخصیت‌شناسی درصدد یافتن پاسخ این پرسش است که نحوه عملکرد فرد به چه صورتی است؟ آیا سریع اقدام می‌کند یا با تأخیر کارهای خود را انجام می‌دهد؟ (پی پنی و دایات، ۱۳۹۲، ص ۳۵)

در ادامه هریک از این روش‌ها بررسی می‌شوند:

منضبط (Judging) (J): این گروه از افراد طرح‌ها را به‌طور منظم و دقیق انجام می‌دهند و قانونمند هستند. همه‌چیز در ذهن آنها ساختاری و سازمان‌یافته است. یادداشت‌برداری برای آنها مهم است. این گروه از افراد ترجیح می‌دهند بدانند چه می‌کنند، محصول‌گرا هستند و بر تمام شدن کار تأکید می‌ورزند. این تیپ شخصیتی زمان را منبعی تمام‌شدنی می‌داند و ضرب‌الاجل‌ها را جدی می‌گیرد.

شایان توجه است که در برخی منابع، از این گروه با عنوان «داوری‌کننده» یاد شده است (تایگر و تایگر،

منعطف (Perceiving) (P): افراد دارای این تیپ شخصیتی از پذیرش اجبار دوری می‌کنند. به عبارت دیگر این گروه از افراد دوست دارند در یک دنیای انعطاف‌پذیر زندگی کنند (همان، ص ۵۸). ایشان بسیار انطباق‌پذیرند و کارها را سر وقت انجام نمی‌دهند، اما در عین حال در انجام کارهایی که از قبل پیش‌بینی نشده است یا فعالیت‌هایی که نیاز به سرعت یا واکنش فوری دارد، موفق هستند (ناجی و همکاران، ۱۳۹۸). افراد این گروه در صورت لزوم و با توجه به دریافت اطلاعات، هدف‌هایشان را تغییر داده، خود را با موقعیت‌های جدید تطبیق می‌دهند (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۶۲).

اکنون پس از بیان ترجیحات گوناگون به‌طور خلاصه می‌توان این ترجیحات را در جدول ذیل بیان کرد:

جدول ۱: انواع تیپ‌های شخصیتی و اختصاری هر کدام

E: برون‌گرا	I: درون‌گرا
S: حسی	N: شمی
T: فکری	F: فکری
J: منضبط	P: ملاحظه‌کار

با توجه به آنچه بیان شد و از ترکیب چهار ترجیح دوگانه ذکر شده، شانزده تیپ شخصیتی زیر قابل بررسی خواهد بود:

جدول ۲: چهار ترجیح دوگانه و شانزده تیپ شخصیتی

ISTJ Responsible Executors	ISFJ Dedicated Stewards	INFJ Insightful Motivators	INTJ Visionary Strategists
ISTP Nimble Pragmatics	ISFP Practical Custodians	INFP Inspired Crusaders	INTP Expansive Analyzers
ESTP Dynamic Mavericks	ESFP Enthusiastic Improvisors	ENFP Impassioned Catalysts	ENTP Innovative Explorers
ESTJ Efficient Drivers	ESFJ Committed Builders	ENFJ Engaging Mobilizers	ENTJ Strategic Directors

شخصیت‌شناسی یوسف نبی ﷺ

حال با توجه به داده‌ها و اطلاعات ذکر شده در آیات قرآن کریم از شخصیت یوسف نبی ﷺ سعی می‌شود که نوع تیپ شخصیتی این پیامبر الهی مشخص شود. لازم به ذکر است که به علت محدودیت اطلاعات موجود در آیات قرآن، تعیین تیپ شخصیتی یوسف نبی ﷺ با محدودیت‌هایی روبه‌روست و این امکان وجود دارد که با افزایش داده‌ها برخی از بُعدها دستخوش تغییراتی شود.

در ادامه، هریک از ابعاد گوناگون مطرح‌شده در الگوی MBTI درباره یوسف نبی ﷺ بررسی می‌گردد:

برونگرا (E) - درونگرا (I)

چنان‌که بیان شد، نظام تیبی ارزیابی شخصیت MBTI مبتنی بر چهار جنبه اولیه از شخصیت انسانی به نام «ترجیحات دوگانه» است و بر این اساس «برونگرایی» و «درونگرایی» نحوه دریافت انرژی فرد را مشخص می‌کند. پیش‌تر بیان شد که دامنه موضوعات مدنظر برونگراها وسیع، ولی میزان اطلاعات آنها سطحی است، درحالی‌که درونگراها در موضوعات خاص، تمام اطلاعات موجود را دریافت می‌کنند (تایگر و تایگر، ۱۳۸۳، ص ۲۵). یک فرد برونگرا از بودن با دیگران انرژی می‌گیرد و علاقه‌مند به صحبت و تبادل نظر است و اطلاعات شخصی خود را به‌سادگی با دیگران در میان می‌گذارد، در حالی که یک فرد درونگرا اطلاعات خود را کمتر بروز می‌دهد.

بررسی آیات قرآن درباره شخصیت یوسف نبی ﷺ برای تحلیل برونگرا یا درون‌گرا بودن ایشان، زوایای گوناگونی را نشان می‌دهد. برای نمونه، حضرت یوسف ﷺ رؤیایی صادق می‌بیند که یازده ستاره و خورشید و ماه در برابرش سجده می‌کنند و این رؤیا را برای پدرش تعریف می‌کند: «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ» (یوسف: ۴).

واکنش یعقوب نبی ﷺ در برابر شنیدن این ماجرا، نشانگر نکته مهمی است. یعقوب نبی ﷺ به حضرت یوسف ﷺ گفت: پسر، این خواب را برای برادرانت تعریف مکن: «يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ...» (یوسف: ۱۵). فعل امر «لَا تَقْصُصْ» در این عبارت به معنای «خبر مده» و «آگاه مکن» است (دینوری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۷۷).

از ظاهر عبارت آیه به‌دست می‌آید که حضرت یوسف ﷺ قبل از تعریف خواب خود برای حضرت یعقوب ﷺ، با کسی از این رویای صادق سخن نگفته بود (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۴۶۶؛ مکی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۳۵۰۲)؛ زیرا برای مرید جایز نیست که سرّ مکاشفه خود را جز برای مراد خود بازگو کند و در اینجا یعقوب نبی ﷺ برای یوسف نبی ﷺ در حکم پیر و مراد است (روزبهان، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۱۴۹).

از بررسی ظاهر آیه می‌توان به‌دست آورد که حضرت یوسف ﷺ فردی بود که به‌سادگی اطلاعات خود را با دیگران در میان می‌گذاشت و از این‌رو حضرت یعقوب ﷺ او را از این کار نهی کرد! این تأکید یعقوب نبی ﷺ به‌خوبی نشان می‌دهد که یوسف نبی ﷺ فردی برونگرا بود و اطلاعات شخصی خود را در اختیار دیگران قرار می‌داد. یعقوب نبی ﷺ قبل از آنکه خواب حضرت یوسف ﷺ را تعبیر کند، از سر مهربانی و دلسوزی، اول او را نهی کرد از اینکه رؤیای خود را برای برادرانش نقل کند و سپس به او درباره کرامت الهی که در حقیق خواهد شد، بشارت داد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۷۸).

بیان شد که برونگراها به اشخاص دیگر توجه دارند و از داشتن تبادل و تعامل با سایرین لذت می‌برند، خواه این تعامل با یک نفر باشد و یا با چند نفر. این اشخاص به‌حکم طبیعت خود، به اشخاص و اشیای بیرون از خود توجه دارند (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۴۰).

بررسی بخش‌های گوناگون سرگذشت یوسف نبی ﷺ در میان آیات قرآن نشان می‌دهد که او برای تعامل با افراد گوناگون پیش‌قدم بود. برای نمونه، وقتی یوسف نبی ﷺ به دسیسه همسر عزیز مصر به زندان افتاد (ر.ک: یوسف: ۳۳)، تعامل او با سایر زندانیان قابل توجه است. او علاوه بر ایجاد روابط (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۳۴)، سعی می‌کرد تا ایشان را به یکتاپرستی دعوت کند (حسنی واعظ، ۱۳۸۱، ص ۲۸۸)؛ چنان‌که در آیات قرآن آمده است: «يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَّفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (یوسف: ۳۹).

در این آیه مراد از «صاحبی السجن» دو جوانی هستند که همراه یوسف نبی ﷺ وارد زندان شدند. البته برخی نیز گفته‌اند: این دو تن از قبل در زندان بودند (ابن جزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۸۷). برخی نیز گفته‌اند: این دو همان کسانی هستند که از یوسف تعبیر خواب خود را پرسیدند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۳۴)؛ یعنی همان دو تنی که در آیات قبل، چگونگی آشنایی یوسف نبی ﷺ با این دو و نیز ماجرای تعبیر خواب آنها آمده است (ر. ک: یوسف: ۳۶-۳۸). در قسمت‌های بعد به این موضوع پرداخته خواهد شد.

پیش‌تر بیان شد که یکی دیگر از ویژگی‌های مهم افراد برون‌گرا آن است که نسبت به افراد درون‌گرا بیشتر اجتماعی هستند و احساسات و خواسته‌های خود را آزادانه بروز داده، به‌آسانی با دیگران وارد تعامل می‌شوند (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۴۳). بررسی آیات قرآن درباره یوسف نبی ﷺ حکایت از آن دارد که او به‌راحتی با دیگران ارتباط برقرار می‌کرد.

برای نمونه، وقتی حضرت یوسف ﷺ خواب عزیز مصر را به‌درستی تعبیر کرد و بنا شد از زندان آزاد گردد، در جهت تعامل بیشتر، او درخواستی را مطرح نمود و از پادشاه مصر خواست علت دقیق زندانی شدن او و شرح اتفاقات گذشته را جویا شود تا حقیقت بر همگان روشن شود؛ اینکه او مستحق زندانی شدن بوده یا با حکم ظالمانه‌ای گرفتار زندان شده است؟ (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۲۸۷). این اتفاق را قرآن چنین روایت می‌کند: «وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُؤْتِي بِهِ فَمَا جَاءَ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَسَأَلَهُ مَا بَالَ النُّسُوءِ اللَّاتِي قَطَعْنَ آيِدِيَهُنَّ إِنِّي رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۰).

بررسی سیاق آیات نشان می‌دهد: یوسف نبی ﷺ نمی‌خواست به‌سادگی از زندان آزاد شود و ننگ عفو شاه را بپذیرد. به دیگر سخن، او نمی‌خواست پس از آزادی به‌صورت یک مجرم یا - دست‌کم - یک متهم که مشمول عفو شاه شده، زندگی کند. او می‌خواست نخست درباره علت زندانی شدنش تحقیق شود و بی‌گناهی و پاکدامنی‌اش به اثبات برسد و پس از تبرئه شدن، سربلند آزاد گردد. علاوه بر آن، آلودگی سازمان حکومت مصر را نیز ثابت کند که در دربار وزیرش چه می‌گذرد؟ او به شرف و حیثیت خود بیش از آزادی اهمیت می‌داد و این راه آزادگان است.

نکته قابل توجه آن است که حضرت یوسف ﷺ در این جمله از کلام خود، آن‌قدر بزرگواری نشان داد که حتی حاضر نشد نامی از همسر عزیز مصر ببرد که عامل اصلی اتهام و زندان او بود؛ تنها به‌صورت کلی به گروهی از زنان مصر که در این ماجرا دخالت داشتند، اشاره کرد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۴۳۱؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۳۲).

نکات مزبور و همچنین آیات دیگر موجود در آیات قرآن نشان می‌دهد که یوسف نبی ﷺ یک شخصیت برونگرا داشت و از منظر تیپ‌شناسی MBTI در بُعد اول یک فرد با ترجیح شخصیتی (E) بود.

همان‌گونه که بیان شد، چنین نیست که یک فرد فقط درونگرا یا فقط برونگرا باشد، اما در هر فردی یکی از این دو بعد می‌تواند غالب باشد. این بعد شخصیتی حضرت یوسف ﷺ را می‌توان در تصویر ذیل نشان داد:

تصویر ۱: ابعاد شخصیتی یوسف

نبی ﷺ از حیث برونگرایی - درونگرایی

برونگرا (E)

درونگرا (I)

حسی (S) - شهودی (N)

چنان‌که در بخش مبانی نظری مطرح شد، دومین بعد از شخصیت‌شناسی MBTI به این مسئله بستگی دارد که فرد چه نوع اطلاعاتی را بیشتر دریافت می‌کند. برخی برای جمع‌آوری اطلاعات، بیشتر از حواس پنج‌گانه خود استفاده می‌کنند. این گروه را «حسی» یا - به اختصار - (S) می‌نامند (تایگر و تایگر، ۱۳۹۰، ص ۴۵). در مقابل، افراد شهودی قرار دارند که از ویژگی‌های آنها می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد: افراد شهودی به آینده علاقه‌مند هستند و برای آن تدبیر دارند.

بررسی آیات سوره «یوسف» نکات مهمی را در این زمینه نشان می‌دهد. قبل از ذکر هر اتفاقی، قرآن بیان می‌کند که به‌واسطه علم الهی، حضرت یوسف ﷺ تعبیر خواب می‌دانست و این علم به مشیت الهی در وجود او به ودیعه قرار داده شده بود: «وَلِنُعَلِّمَهُ مَنِ تَأْوِيلَ الْأَحَادِيثِ» (یوسف: ۲۱). به دیگر سخن، یوسف نبی ﷺ به اذن الهی توانایی این را داشت که برخی از خواب‌ها را تعبیر کند (حقی برسوی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۴۰). خداوند حقایق امور را به وی آموخت، که از جمله این حقایق، تعبیر خواب بود. این نعمت‌ها و امثال آن، منزلت یوسف نبی ﷺ را در میان مردم بالا برد و او را قابل اعتماد و احترام همگان قرار داد و زمینه را برای او به گونه‌ای آماده کرد که سرپرستی خزائن مصر را به عهده گیرد (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۲۹۷).

تفصیل این موضوع در آیه ۴۳ سوره «یوسف» ذکر شده است: «وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَ سَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خَضِرٍ وَأَخْرَ يَابَسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ». آیه بیان می‌کند که پادشاه مصر رؤیایی دید (ابی‌سعود، ۱۹۸۳، ج ۴، ص ۲۸۱) و از معبران خواست خوابش را تعبیر کنند (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۹۴).

آیات بعد نشان می‌دهد که آنها از تعبیر خواب پادشاه عاجز بودند: «قَالُوا أَضْغَاتٌ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ» (یوسف: ۴۴)، تا اینکه یکی از درباریان که پیش‌تر همراه حضرت یوسف ﷺ به زندان افتاده بود و می‌دانست که او تعبیر خواب می‌داند، نزد پادشاه از او یاد کرد و قرار شد که از او برای تعبیر خواب کمک بگیرند: «وَقَالَ الَّذِي نَجَّا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ» (یوسف: ۴۵).

آیات قرآن نشان می‌دهد که یوسف نبی ﷺ خواب پادشاه را به‌درستی تعبیر کرد: «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ» (یوسف: ۴۷ و ۴۸) و بدین‌سان، حضرت یوسف ﷺ براساس رؤیای پادشاه، حوادث آینده مصر در دو دوره هفت ساله را بیان کرد (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶ ص ۴۴۵).

افزون بر این چند آیه، آیات ابتدایی سوره «یوسف» که درباره خواب دوران کودکی اوست - پیش‌تر به آن پرداخته شد - بر شهودی بودن شخصیت یوسف نبی ﷺ دلالت دارد. قسمت دیگری از داستان یوسف نبی ﷺ نیز مؤید این نظر است: پیش‌تر بیان شد که افراد شهودی به آینده علاقه‌مند بوده، برای آن تدبیر دارند. آیات قرآن نشان می‌دهد که یوسف نبی ﷺ در اولین دیدار با برادران خود در مصر، اگرچه آنها را شناخته بود، اما به خاطر تدابیری که برای آینده داشت، این مسئله را پنهان نمود: «وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ» (یوسف: ۵۸).

در خصوص این آیه مفسران نظرات گوناگونی را نقل کرده‌اند. برای نمونه برخی گفته‌اند: یوسف نبی ﷺ برادران خود را شناخت؛ چون آنها از نظر ظاهر و قیافه تغییری نکرده بودند؛ اما یوسف از کودکی به بزرگسالی رسیده بود و برادران به همین سبب او را نشناختند (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۴).

در این میان، علت آنکه چرا حضرت یوسف ﷺ برادران را شناخت، ولی برادران او را نشناختند، موضوع بحث این پژوهش نیست. آنچه مهم است اینکه یوسف نبی ﷺ به علتی خود را به برادرانش معرفی نکرد و انجام این کار را به آینده موکول نمود.

بررسی سیر آیات سوره «یوسف» نشان می‌دهد که برادران او طی چند مرحله به دیار خود رفتند و بازگشتند و سرانجام به همراه یعقوب نبی ﷺ به مصر آمدند (ر.ک: یوسف: ۵۹-۸۸). از بررسی آیات چنین به‌دست می‌آید که یوسف نبی ﷺ چون به آینده علاقه‌مند بود و برای آن تدابیری داشت، در اولین دیدار با برادران، خود را معرفی نکرد و آشنایی را به زمان آینده موکول ساخت.

نمونه دیگری از آیات که حکایت از شهودی بودن حضرت یوسف ﷺ دارد، مربوط به زمانی است که یوسف نبی ﷺ از برادران خود خواست پیراهنش را با خود به نزد یعقوب نبی ﷺ ببرند و آن را بر دیدگان وی بیفکنند تا او بینا شود (ر.ک: یوسف: ۹۳ و ۹۶). اساساً چنین مسئله‌ای از آنجا یک معجزه است یک امر شهودی به شمار می‌آید (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۱۱۶).

مجموع این آیات نشان می‌دهد که یوسف نبی ﷺ شخصیتی کاملاً شهودی (N) داشت. چنان‌که پیش‌تر نیز بیان شد، اینکه ترجیح شخصیتی یک فرد شهودی باشد، دلیل بر آن نیست که او دارای بعد حسی نیست. به بیان دیگر، ذکر این نکته ضروری است که شهودی بودن یک فرد به این معنا نیست که او تصمیماتی براساس «حس» ندارد. این سخن به آن معناست که یوسف نبی ﷺ اگرچه شخصیتی شهودی داشت، اما می‌توانست کنش‌هایی مبتنی بر حس نیز داشته باشد.

این بُعد از شخصیت حضرت یوسف ﷺ را می‌توان در تصویر ذیل به تصویر کشید:

تصویر ۲: ابعاد شخصیتی یوسف نبی ﷺ از حیث حسی - شهودی

شهودی (N)

حسی (S)

فکری (T) - احساسی (F)

چنان‌که بیان شد، بعد سوم نظریه MBTI به‌نوعی تقابل میان احساس و منطق را بررسی می‌کند. چنان‌که بیان شد، افراد فکری (T) کسانی هستند که احساسات برایشان تنها زمانی معتبر است که منطقی باشد. بررسی آیات قرآن درباره شخصیت یوسف نبی ﷺ نشان می‌دهد که او در موقعیت‌های گوناگون در تقابل میان احساسات و منطق، براساس فکر تصمیم می‌گرفت و می‌توانست از اوج احساس نیز بگذرد.

برای نمونه، زمانی که همسر عزیز مصر او را در خلوت قرار داد و به کامجویی دعوت کرد، حضرت یوسف ﷺ در شرایط فوران احساس، تصمیمی منطقی گرفت: «وَرَاوَدْتَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَقَتِ الْاَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهُ رَبِّيْ اَحْسَنَ مَثْوٰى اِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّاى بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِنَصِرَفْ عَنْهُ السُّوْءَ وَ الْفَحْشَاءَ اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيْنَ» (یوسف: ۲۲-۲۳).

این آیات نشان می‌دهد که یوسف نبی ﷺ برای رهایی از شرایط ویژه‌ای که در آن گرفتار شده بود، کاری منطقی ارائه داد و گفت: «مَعَاذَ اللّٰهِ»، یعنی از این کار ناپسند به خدا پناه می‌برم! (جرجانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۲۶). برخی نیز گفته‌اند که منظور یوسف نبی ﷺ از بیان این جمله آن بود که بگوید: من از آنچه تو مرا به آن دعوت می‌کنی، به خدا پناه می‌برم و این کار را انجام نخواهم داد (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۲۰۹).

لازم به ذکر است که درباره ادامه جمله که یوسف گفت: «... اِنَّهُ رَبِّيْ اَحْسَنَ مَثْوٰى اِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ» و اینکه «رب» کیست، میان مفسران گفت‌وگوهای زیادی مطرح است که مجالی فراخ می‌طلبد و بحثی خارج از این پژوهش به شمار می‌آید (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۴۱؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۱۸۹).

افزون بر این، بررسی فرازهای دیگری از زندگی یوسف نبی ﷺ و کنش‌های او در شرایط متفاوت در این زمینه قابل بررسی است. زمانی که یوسف نبی ﷺ در جایگاه عزیز مصر بود، برادران او در اثر قحطی به مصر آمده بودند و از او طلب کمک می‌کردند. حضرت یوسف ﷺ در مواجهه با آنها تصمیمی مطابق منطق و فکر گرفت، و حال آنکه رنج این سالیان طولانی و احساسات جریحه‌دار شده او می‌توانست منشأ تصمیم دیگری باشد؛ یعنی یوسف می‌توانست مقابله به مثل کند و هرگونه کمکی را از برادران دریغ نماید.

بیان شد که در اولین دیدار با برادران، یوسف نبی ﷺ آنها را شناخت، اما آنها یوسف را نشناختند: «وَ جَاءَ اِخْوَتُهُ يُوْسُفَ فَدَخَلُوْا عَلَيْهِ فَعَرَفُوْهُمُ وَ هُمْ لَهٗ مُكْرِمُوْنَ» (یوسف: ۵۸). در تفاسیر قرآن آمده است که از وقتی که او را در چاه انداختند تا روزی که به مصر آمدند، چهل سال گذشته بود و از این‌رو یوسف نبی ﷺ را نشناختند. دیگر آنکه پادشاهی دیدند که جامه سلطنت بر تن دارد و بر تخت پادشاهی تکیه زده است و هیچ فکر نمی‌کردند این پادشاه همان

برادرشان یوسف ﷺ باشد که به این مقام و سلطنت رسیده است. ولی یوسف نبی ﷺ انتظار آمدن آنها را می‌کشید و از این رو آنها را شناخت و چون آنها را دید با زبان عبری با ایشان تکلم کرد و بدان‌ها گفت: شما کیستید و برای چه کاری آمده‌اید که من به وضع شما آشنا نیستم؟ (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۷۴)

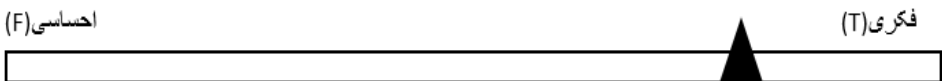
اگر یوسف نبی ﷺ در ابتدای امر، خود را به برادرانش معرفی نکرده، برای این بود که می‌خواست اول برادر مادری خود، یعنی بنیامین را احضار نماید تا در موقعی که خود را به برادران پدری‌اش معرفی می‌کند، او نیز حاضر باشد. آیات ۵۸ تا ۶۲ سوره «یوسف» متضمن آمدن فرزندان یعقوب نبی ﷺ به مصر و نقشه‌ای است که حضرت یوسف ﷺ برای احضار برادر مادری خود کشید، که اگر بار دیگر محتاج طعام شدند، تا او را نیاروند طعام نخواهند گرفت. ایشان نیز پذیرفتند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۲۰۷؛ سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۰۱۵).

بعد از اتفاقات بسیار - که ذکر آنها در حد این پژوهش نیست - سرانجام بنیامین برادر تنی یوسف در سفر دوم، به همراه برادرانش به حضور یوسف نبی ﷺ آمد. برادران پس از دریافت سهمیه خود، قصد سفر به سوی دیار خویش را داشتند که با اتفاقی روبه‌رو شدند که حضرت یوسف ﷺ از قبل تدارک دیده بود. نگهبانان قصر به آنها اعلام کردند: ظرف مخصوص پادشاه گم شده است... خلاصه اینکه ظرف در کوله‌بار بنیامین پیدا شد. در این میان، گفت‌وگویی در گرفت که جزای دزد چیست؟ برادران رو به یوسف نبی ﷺ کردند و گفتند: جای تعجب نیست؛ برادر بنیامین (یوسف) هم قبل از او دزدی کرد! حضرت یوسف ﷺ از این سخن بسیار ناراحت شد؛ اما این ناراحتی را در درون خود پنهان داشت و برای آنها آشکار نکرد (صابونی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۷).

همه این کنش‌ها نشان می‌دهد که یوسف نبی ﷺ در موضعی که می‌توانست تصمیم احساسی بگیرد و برادران را به سزای رفتار گذشته‌شان برساند، تدبیر کرد تا بنیامین و پس از آن یعقوب نبی ﷺ را به مصر آورد و از قحطی نجات دهد: «... فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَ لَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ...» (یوسف: ۷۷).

نکات مزبور و همچنین آیات دیگر موجود در قرآن نشان می‌دهد که یوسف نبی ﷺ شخصیتی فکری داشت و از منظر تیپ‌شناسی MBTI در بُعد سوم یک فرد با ترجیح شخصیتی (T) واقع بود. بیان شد که چنین نیست که یک فرد فقط فکری (T) یا فقط احساسی (F) باشد، اما در هر کس یکی از این دو بعد می‌تواند غالب باشد. این بعد شخصیتی یوسف را می‌توان در نمودار زیر نشان داد:

تصویر ۳: ابعاد شخصیتی یوسف نبی ﷺ از حیث فکری - احساسی



منضبط (J) - منعطف (P)

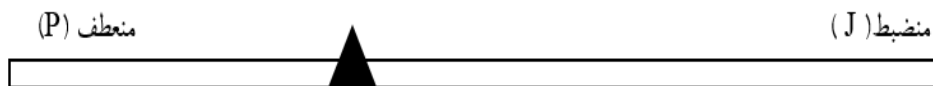
چنان‌که بیان شد افراد منعطف (P) کسانی هستند که خود را با شرایط تطبیق می‌دهند. در مقابل، افراد منضبط (J) افرادی محسول‌گرا هستند و بر تمام شدن کار تأکید می‌ورزند.

بررسی زندگی یوسف نبی ﷺ حکایت از وجود فرازوفرودهای بسیار دارد. او معمولاً خود را با شرایط موجود تطبیق می‌داد. برای نمونه، در ماجرای خیانت همسر عزیز مصر و به زندان افتادن یوسف نبی ﷺ، نه‌تنها یوسف از خود هیچ مقاومتی نشان نداد، بلکه اعلام رضایت کامل نیز کرد. او در مناجاتی با پروردگارش (صابونی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۵) چنین گفت: «رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونِي إِلَيْهِ» (یوسف: ۳۳). منظور از این عبارت آن است که زندان نزد من محبوب‌تر است. فحوای کلام یوسف نبی ﷺ به معنای خواسته و اراده قلبی او نیست که من زندان را می‌خواهم، بلکه منظور آن بزرگوار این بود که زندان برای من آسان‌تر از انجام خواسته آن زنان است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۵۳؛ طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۷، ص ۳۵۵).

از جمله دیگر خصوصیات تیپ شخصیتی منعطف، فرابندگرا بودن است. این افراد معمولاً به روند و چگونگی کار اهمیت می‌دهند. برای نمونه، بررسی آیات الهی نشان می‌دهد که حضرت یوسف ﷺ از زمان دیدار اولیه با برادران (ر.ک: یوسف: ۵۸) تا ملاقات پدر، یک روند مشخصی را طی کرد. این روند از اندیشه شرط گذاشتن برای حضور بنیامین آغاز شد (ر.ک: یوسف: ۵۹) و سپس با نگاه‌داشتن وی نزد خود، ادامه یافت (ر.ک: یوسف: ۷۰-۷۱). این ماجرا پس از طی چندین مرحله دیگر، به دیدار یعقوب نبی ﷺ ختم شد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۸۲؛ دخیل، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۱۹).

بررسی آیات قرآن درخصوص شخصیت یوسف نبی ﷺ نشان می‌دهد که او در موقعیت‌های گوناگون در میان قاطع بودن (J) و یا منعطف بودن، عموماً فردی منعطف (P) بود. البته این بدان معنا نیست که در شخصیت حضرت یوسف ﷺ نمی‌توان نشانه‌هایی از منضبط بودن به‌دست آورد. شواهدی مثل اینکه وی عهده‌دار حکومت مصر بود، حکایت از منضبط بودن وی دارد؛ زیرا اساساً مدیریت کلان بدون داشتن شخصیتی منضبط امکان‌پذیر نیست. بنابراین می‌توان گفت: از نظر شخصیتی یوسف نبی ﷺ اگرچه فردی منعطف (P) بود، اما به سمت منضبط بودن (J) نیز تمایل داشت. این حالت در نمودار زیر قابل مشاهده است:

تصویر ۴: ابعاد شخصیتی یوسف نبی ﷺ از حیث منضبط - منعطف بودن



تیپ شخصیتی حضرت یوسف ﷺ

از مجموع بررسی‌های انجام‌شده و با توجه به محدودیت داده‌های موجود در آیات قرآن، به نظر می‌رسد: یوسف نبی ﷺ از میان برونگرایی (E) و درونگرایی (I) فردی برونگرا (E) بود. در بُعد دوم از میان شهودی بودن (N) و حسی بودن (S)، وی فردی کاملاً شهودی (N) بود. همچنین در ترجیح چهارم از بین منضبط بودن (J) و یا

منعطف بودن (P)، فردی منعطف با گرایش‌های انضباطی بود. بر این اساس یوسف نبی ﷺ از نظر تیپ‌شناسی شخصیتی، دارای شخصیت ENTP بود.

به بیان دیگر، حضرت یوسف ﷺ شخصیتی برونگرا (E)، شهودی (N)، فکری (T) و منعطف (P) داشت. این گروه از افراد دارای ویژگی‌های ویژه‌ای هستند. مهم‌ترین ویژگی این گروه آن است که قدرتمند و بسیار صاحب نفوذ هستند (جونز و شرمز، ۱۳۹۳، ص ۹۴). این گروه از افراد می‌توانند شغل‌هایی را ایجاد کنند که به اندیشیدن مبتکرانه احتیاج دارد و افزون بر آن، به حضور و تبادل بسیاری از اشخاص نیاز دارد. این طرح‌ها اغلب حجم وسیعی دارند و به بودجه‌های کلان نیازمندند.

این مهم همان چیزی است که در مسئله مدیریت بحران و خشکسالی در زندگی یوسف نبی ﷺ دیده می‌شود. برای نمونه، پس از آنکه عزیز مصر او را مشاور و امین خود قرار داد، به سبب اجرای تدابیری که یوسف نبی ﷺ اندیشیده بود، خزانه مالی سرزمین خود را در اختیار او قرار داد: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵). بعد از آنکه شاه فرمان مکانت و امانت وی را به‌طور مطلق صادر کرد، حضرت یوسف ﷺ از او خواست تا او را به وزارت مالیه و خزانه‌داری منصوب کند و امور مالی کشور و خزانه‌های سرزمین مصر را به وی محول نماید. علت درخواست وی این بود که امور مالی کشور و ارزاق را به صورت مستقیم، خودش اداره کند و ارزاق را جمع‌آوری کند و برای سال‌های قحطی که مردم دچار گرانی و گرسنگی خواهند شد، ذخیره سازد و خودش بی‌واسطه آنها را در میان مردم تقسیم کند و به هریک، آن مقداری را که استحقاق دارد، بدهد و از حیف‌ومیل جلوگیری نماید. او، خود درخواست خویش را چنین تعلیل کرد که «من حفیظ و علیم هستم»؛ زیرا این دو از صفاتی است که برای تصدی مقامی که درخواست کرده بود لازم بود و بی آن دو نمی‌توانست چنان مقامی را تصدی کند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۲۰۰).

نکته حائز اهمیت در این میان، آن است که یوسف نبی ﷺ از این خزائن بزرگ برای شخص خود چیزی نمی‌خواست (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۰۰۵). از سیاق آیات محل بحث و آیات بعد از آن برمی‌آید که پیشنهاد پذیرفته شد و وی دست به کار آنچه می‌خواست، گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

از بررسی ترجیحات چهارگانه الگوی شخصیتی الگوی مایرز - بریگز، در خصوص شخصیت حضرت یوسف ﷺ براساس داده‌های قرآنی به‌دست می‌آید:

- با توجه به میزان داده‌های موجود، قابلیت بررسی برخی از شخصیت‌های قرآنی براساس این الگوی شخصیت‌شناسی وجود دارد.

- یوسف نبی ﷺ که یکی از انبیای الهی است، براساس الگوی MBTI و مطابق با داده‌های قرآنی دارای شخصیت ENTP است.

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، محمودین عبدالله، ۱۴۱۵ق، روح المعانی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن جزی، محمدبن احمد، ۱۴۱۶ق، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت، دارالازرقم بن ابی ارقم.
- ابن عاشور، محمداطهر، ۱۴۲۰ق، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابوحیان، محمدبن یوسف، ۱۴۲۰ق، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر.
- ابی‌سعود، محمدبن محمد، ۱۹۸۳م، تفسیر ابی‌السعود، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- اشرفی، عباس و دیگران، ۱۳۹۶، «شخصیت‌پردازی در داستان یوسف؛ بررسی تطبیقی در قرآن و عهد قدیم»، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال سوم، ش ۵، ص ۶۳-۹۰.
- بارون، رنی، ۱۳۹۳، تیپ شخصیتی من کدام است؟، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، پوینده.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، تفسیر البغوی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- پی پنی، جانت و ایبل دایات، ۱۳۹۲، تیپ‌شناسی شخصیتی مادران، ترجمه فاطمه رضایی‌ملک خلیلی و مریم تقی‌بیگی، تهران، بنیاد فرهنگ زندگی.
- پیرسون، کارول اس و مار هیوکی، ۱۳۹۲، زندگی برانزده من، ترجمه کاوه نیری، تهران، بنیاد فرهنگ زندگی.
- تایگر، پاول و باربارا تایگر، ۱۳۸۳، شغل مناسب شما کاری که برای آن ساخته شده‌اید را انجام دهید، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، نقش و نگار و فلسفه.
- _____، ۱۳۹۰، همسر مناسب شما همسرتان را از تیپ شخصیتی خود انتخاب کنید، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، نقش و نگار و فلسفه.
- _____، ۱۳۹۲، تکنیک‌های شخصیت‌خوانی راهی برای ارتباط مؤثر، ترجمه مهدی قراچه‌داغی و حسین رحیم منفرد، تهران، پیک بهار.
- ثعلبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸ق، تفسیر ثعلبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمدبن محمد، ۱۴۲۲ق، الکشف و البیان، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- تقفی، محمدجواد و همکاران، ۱۳۹۶، «معماری و MBTI بررسی شیوه استفاده از شخصیت‌شناسی و ویژگی‌های شخصیتی کاربر بر فضا و طراحی مسکن»، هنرهای زیبا، دوره بیست و دوم، ش ۱، ص ۷۵-۸۸.
- جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم، ۱۳۶۲، تفسیر جرجانی، تهران، نوید.
- جونز، جین هاردی و روت جی شرم، ۱۳۹۲، چرا شنیده نمی‌شویم؟، ترجمه ناهید سپهرپور، تهران، بنیاد فرهنگ زندگی.
- حسینی واعظ، محمدبن محمد، ۱۳۸۱، دقائق التأویل و حقائق التنزیل، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، ۱۴۰۵ق، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر.
- دخیل، محمدعلی، ۱۴۲۲ق، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- دقیقیان، پروین، ۱۳۸۹، روانشناسی تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه اینیاگرام، تهران، آشیانه کتاب.
- دینوری، عبدالله بن محمد، ۱۴۲۴ق، الواضح فی التفسیر، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- رضایی، بیتا و همکاران، ۱۳۹۶، «تحلیل روان‌شناختی تیپ شخصیتی پادشاه در داستان پادشاه و کنیزک مثنوی»، متن‌پژوهی ادبی، ش ۷۱، ص ۱۶۹-۱۹۲.

- روزبهان بقلی، ابی نصر، ۲۰۰۸م، *عرائس البیان فی حقایق القرآن*، لبنان، دارالکتب العلمیه.
- سید قطب، ۱۴۲۵ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشروق.
- شکیبا، شیما، ۱۳۸۴، *بررسی رابطه تیپ شخصیتی و هوش هیجانی در رضایت شغلی کارمندان ستادی دانشگاه علوم پزشکی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، تهران، دانشکده علوم پزشکی خدمات بهداشتی درمانی ایران.
- شوکانی، محمدبن علی، ۱۴۱۴ق، *فتح القدیر*، دمشق، دار ابن کثیر.
- صابونی، محمدعلی، ۱۴۲۱ق، *صفوة التفاسیر*، بیروت، دارالفکر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸م، *التفسیر الکبیر*، اردن، دارالکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- طنطاوی، محمدبن سید، ۱۹۹۷م، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، مصر، نهضة مصر.
- علی مرادی، زهرا و همکاران، ۱۳۹۹، «راهکارهای تربیتی سوره یوسف ﷺ براساس مفهوم روان‌شناختی»، *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ش ۱۱، ص ۱۸۱-۲۹۴.
- فضل‌الله، محمدحسین، ۱۴۱۹ق، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک.
- مارتین، چارز، ۱۳۹۹، *تیپ‌های شخصیتی*، ترجمه سیدمرتضی نظری، تهران، بنیاد فرهنگ زندگی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۵، *حیوة القلوب*، ترجمه سیدعلی امامیان، قم، سرور.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، *التفسیر الکاشف*، قم، دارالکتب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مکی، بن حموش، ۱۴۲۹ق، *الهدایة الی بلوغ النهایة*، امارات، جامعة الشارجه.
- مورفی، الیزابت، ۱۳۹۵، *سیر شکوفایی بچه‌ها در خانه و مدرسه*، ترجمه فیروزه نیوندی، تهران، بنیاد فرهنگ زندگی.
- ناجی، حسین دوست و همکاران، ۱۳۹۸، «طراحی پرسشنامه تشخیص شبکه‌ای یادگیری برای یادگیرندگان زبان خارجی و زبان دوم براساس آزمون MBTI»، *پژوهش ملل*، ش ۴۴، ص ۶۷-۸۰.
- نونست، سوندراس، ۱۳۹۵، *لدت بردن از اختلاف*، ترجمه ساره سرگلزایی، تهران، بنیاد فرهنگ زندگی.
- Abu-Asba, A H. Azman & R. Mustafa, 2012, "Learning styles of Yemeni undergraduate science. GEMA online", *Journal of Language studies*, V. 12, N. 2, p. 50-63.
- James. W. B & D. L. Gardner, 1995, "Learning Style: Implication for distance Learning", *New Direction for Adult and continuing Education*, N. 67, p. 42-65.